

عنوان مقاله : مشارکت خصوصی و دولتی جهت توسعه تجارت در بخش کشاورزی

دکتر رضا اسدی – مدیرکل دفتر بهداشت، پیشگیری و مدیریت بیماریهای آبریان

سازمان دامپزشکی کشور

مشارکت بخش خصوصی و دولتی در بخش کشاورزی شامل چهار مورد زیر می باشد :

۱- مشارکت در توسعه زنجیره های ارزش در کشاورزی

۲- مشارکت در حوزه تحقیقات ، نوآوری و انتقال فناوری کشاورزی

۳- مشارکت برای ساخت و ارتقای زیرساخت های بازار

۴- مشارکت برای ارائه خدمات به کشاورزان و شرکت های کوچک و متوسط جهت توسعه کسب و کار و تجارت

مشارکت های بخش خصوصی و دولتی بهترین روش برای دستیابی به توسعه پایدار می باشد .

همواره سطوح بالایی از سرمایه گذاری در بخش کشاورزی برای توسعه پایدار و کاهش کمبودها مورد نیاز است ولی تخصیص بودجه عمومی پایین به این بخش ، رشد را کند می کند . برای حل این مشکل، مشارکت های نوآورانه و فعالانه بخش خصوصی با دولت به عنوان مکانیزمی برای ادغام منابع مالی ، بسیار مورد نیاز بوده و در عین حال کاهش برخی از خطرات انجام تجارت در بخش کشاورزی را نیز به همراه خواهد داشت . این طرح ها که معمولاً به عنوان مشارکت های دولتی-خصوصی (PPPs) از آنها یاد میشود به دنبال توسعه پایدار کشاورزی می باشند .

هدف شامل: کاهش کمبودها - تامین اعتبارات مورد نیاز - توسعه پایدار بخش کشاورزی حتی در کشاورزی خرد - سرمایه گذاری برای تجارت بین الملل - کمک به تنظیم بازار می باشد .

۱- مشارکت در توسعه زنجیره ارزش

۱-۱- پایه و اساس و دلایل مشارکت برای توسعه زنجیره ارزش

یکی از چالش‌های مهم تحول در بخش کشاورزی، حرکت به سمت کشاورزی مبتنی بر بازار است که میزان تقاضای فعلی و آینده برای غذا، مواد خام و نیروی کار را شامل میشود. در پاسخ به این روندها، سطح بالایی از هماهنگی بین همه دست اندرکاران درگیر در زنجیره تامین محصولات کشاورزی که بتوانند نیازهای مصرف‌کنندگان را برآورده نمایند، ضروری است.

در عین حال، بایستی اطمینان حاصل شود که زنجیره‌ها طوری توسعه یابند تا امنیت غذایی ملی را تامین کنند از طرفی توسعه کشاورزی شامل خرده مالکان نیز بشود، صنعت کشاورزی را توسعه دهد و در راستای اهداف اجتماعی و اقتصادی ملی باشد

افراد دخیل در بخش خصوصی براحتی ارتباط بین تنظیم و رشد بازار با میزان عرضه مواد خام استاندارد را تشخیص می دهند با این حال، این افراد ممکن است فاقد مهارت‌های فنی لازم، دانش محلی و شبکه‌های قابل اعتماد برای سازماندهی تامین‌کنندگان مواد خام باشند که در اینخصوص شرکتهای خدماتی خصوصی دیگری مثل شرکت های پولی و مالی به عنوان تسهیل کننده برای کمک به پر کردن شکاف برای رسیدگی به برخی از این مسائل عمل می کنند در بیشتر موارد، شریک خصوصی به عنوان محرک مشارکت برای به حداکثر رساندن فرصت‌های بازار از طریق تأمین کالا و استفاده از منابع مالی و دانش و مهارت‌های تکمیلی بخش دولتی در نظر گرفته می‌شود. این فعالیت‌ها اغلب به منظور توسعه و تامین بازارها انجام میشود.

۱-۲- نقش ها و وظایف اصلی

نقش بخش دولتی

بخش دولتی نقش‌های مشابهی در مشارکت در توسعه زنجیره ارزش در سطح خرد و متوسط ایفاء می‌کند.

ایجاد یک محیط نظارتی و حمایتی با انگیزه‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی که شامل مالکان خرد نیز میشود از وظایف بخش دولتی است به عنوان مثال در اندونزی، دولت به هر شرکت خصوصی تولید روغن پالم که مایل به مشارکت با کشاورزان کوچک و متوسط باشد اجازه دسترسی حداقل ۲۰ درصد از کل مساحت مزرعه و مجوز کسب و کار برای مدت ۳۵ سال را می‌دهد و بر همین اساس در اندونزی هر شرکت خصوصی کشاورزی که بخواهد توسعه یابد، باید با کشاورزان مشارکت داشته باشد و در این مشارکت هر کشاورز حداقل ۲ هکتار زمین بایستی داشته باشد. در مورد کشور کلمبیا، قراردادی بین دولت و شرکت خصوصی، عرضه روغن پالم را از مالکان خرد به مدت ۲۸ سال تضمین میکند.

از دیگر مثال‌ها در دیگر کشورها: مزارع شامل یارانه تا سقف ۴۰ درصد از سرمایه‌گذاری زمین و ضمانت برای وام‌های باقی مانده مزرعه است - معافیت‌های مالیاتی بر نهاده‌ها و فروش محصولات خام و با ارزش افزوده از جمله مکانیسم‌های تشویقی رایج به نفع همه شرکای خصوصی می‌باشد.

برنامه باید با اولویت‌های توسعه اجتماعی-اقتصادی ملی و بخش همسو باشد و هدف از طراحی برنامه‌ها، شناسایی حوزه‌های خاص برای مشارکت‌هایی است که در آن سرمایه‌گذاری‌های دولتی، زمانی که با منابع یا مهارت‌های بخش خصوصی ترکیب می‌شود، تأثیر بیشتری خواهند داشت.

نقش بخش خصوصی

- *توسعه طرح های تجاری با تجزیه و تحلیل مالی و وضعیت بازار .
- *اعطای کمک های مالی یا منابع غیرنقدی طبق توافق.
- *اجرای پیشرونده فعالیت های مشارکتی و ارائه نتایج.
- *ارائه مدیریت حرفه ای.
- *تامین بازار باعرضه محصولات کافی و تهیه مواد خام از کشاورزان از طریق کشاورزی قراردادی.
- *ارائه کمک های فنی و آموزش مدیریت کسب و کار به ذینفعان
- *پیوند دادن کشاورزان به خدمات مربوط به توسعه کسب و کار مانند تأمین مالی و صدور گواهینامه ها
- *حمایت از نظارت بر فعالیت های مشارکتی.

۲-مشارکت برای نوآوری و انتقال تکنولوژی

۲-۱- پایه و اساس و دلایل مشارکت برای نوآوری و انتقال فناوری

تردید وجود ندارد که اگر کشورها بخواهند به اهداف خود در رابطه با توسعه پایدار کشاورزی دست یابند، بایستی در سیستم کشاورزی موجود رویکردهای نوآورانه و انتقال فناوری و تکنولوژی صورت گیرد. دستیابی به اهداف رشد کشاورزی و کاهش فقر در برنامه های توسعه اجتماعی و اقتصادی ملی مستلزم پیشرفت در بهره وری کشاورزی، کارایی نیروی کار و ارزش افزوده است. در غیاب راه حل های پژوهشی، کاربردی و نوآورانه که به مشکلات پیچیده ایی مانند مدیریت آفات و بیماری ها، تأثیرات تغییرات آب و هوا و اقلیم، اتلاف پس از برداشت، کیفیت پایین محصول و

ایمنی مواد غذایی و ارزش افزوده پایین می پردازد، هیچ‌یک از این اهداف محقق نمی‌شوند. معضلی که در اینخصوص وجود دارد این است که چگونه می‌توان اطمینان حاصل کرد فناوری‌های مناسب برای افرادی که در مناطق دورافتاده و روستایی هستند در دسترس قرار گیرد

استفاده از مشارکت‌های بخش خصوصی و دولتی در مباحث نوآوری و فناوری‌ها از طریق همکاری فی مابین باعث وابستگی‌های متقابل بین بخش‌ها گردیده و این وابستگی، اقدامات نوآوری را تقویت می‌کند. مشارکت بخش خصوصی و دولتی چارچوبی برای هماهنگی فعالیت‌های مالی، تحقیق و توسعه و سیستم‌های نوآوری با سازماندهی محققان و ارائه‌دهندگان خدمات و همچنین کشاورزان فراهم می‌کند سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در سطح جهان در تحقیقات کشاورزی و نوآوری مواد غذایی نیز به طور پیوسته افزایش یافته است و از ۱۲.۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۴ به ۱۸.۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ رسیده است و از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸، سرمایه‌گذاری خصوصی ۲۶ درصد افزایش یافته است. تخمین زده می‌شود که بخش خصوصی بین ۳۹ تا ۴۵ درصد از کل سرمایه‌گذاری جهانی در تحقیق و توسعه مواد غذایی و کشاورزی را به خود اختصاص می‌دهد. این افزایش‌ها در مخارج تحقیقاتی دولتی و خصوصی، به ویژه در تحقیقات پایین دستی در تولید مواد غذایی، به خوبی با منطق مشارکتی خصوصی - دولتی در بخش زنجیره ارزش هماهنگ است و تقاضای رو به رشد برای محصولات غذایی با ارزش افزوده را برجسته می‌کند.

۲-۲- نقش بخش خصوصی

به عنوان مکمل بخش دولتی، نقش بخش خصوصی عبارتند از:

*انجام تجزیه و تحلیل در وضعیت بازار برای تعیین تقاضا برای فناوری‌های جدید و ظرفیت سرمایه‌گذاری

*کمکهای مالی یا منابع غیرنقدی طبق توافق.

*مشارکت در مدیریت آزمون فناوری جدید قبل از تجاری سازی

*مذاکره درباره مسائل مربوط به مالکیت ها ، مجوزها و قراردادهای فروش

*گذراندن مرحله تجاری سازی و راهبرد انتشار برای فناوری جدید

*ارائه خدمات پشتیبانی فنی پس از فروش به پذیرندگان فناوری های جدید.

*حمایت از نظارت بر فعالیت های مشارکتی.

۳-مشارکت برای توسعه زیرساخت های بازار محصولات کشاورزی

۳-۱-دلیل مشارکت در زیرساخت های بازار

مشارکت خصوصی و دولتی برای زیرساخت های بازار کشاورزی، مقوله ای است که به مشارکت های زیرساختی سنتی، از جمله مشارکت برای توسعه راه ها و بنادر روستایی و سیستم های آبیاری شبیه است. زیرساخت های بازار محصولات کشاورزی شامل عناصر داخل مزرعه (به عنوان مثال آبیاری، حمل و نقل در مزرعه، انرژی و ذخیره سازی قبل و بعد از برداشت) و ساختارهای خارج از مزرعه و تسهیلات برای بازاریابی و فرآوری کشاورزی می شود .

بازاریابی بخش کشاورزی شامل: بازارهای عمده فروشی ویا منطقه ای و مراکز تجاری کشاورزی وکلیه ساختارهای فیزیکی و تأسیسات مرتبط برای ذخیره سازی اولیه و ثانویه، فرآوری ، توزیع نهاده های کشاورزی، نقاط حراج محصولات کشاورزی و دام، مراکز جمع آوری محصولات، انبارهای مشترک قبل و بعد از برداشت و انبارداری و همچنین اجزای مختلف جانبی این گونه تأسیسات مثل باسکول، سردخانه، خدمات شستشو و بسته بندی، خدمات وسایل نقلیه و ماشین

آلات، سوله های دام، خدمات دامپزشکی، خدمات مدیریت مخابرات و لجستیک و آزمایشگاه های آزمایش کیفیت، می باشد.

در سال های اخیر، میزان مشارکت های بخش خصوصی و دولتی در زیرساخت و تنظیم بازار همزمان با تلاش های بسیاری از کشورها برای افزایش بهره وری کشاورزی و تسهیل در تولید مازاد مزارع، از دروازه مزارع به مصرف کنندگان افزایش یافته است در نتیجه، دولت ها به دنبال ارتقای جامع زیرساخت ها و تسهیلات در بازار مرتبط با محصولات کشاورزی هستند.

فعالیت های خارج از مزرعه (فرآوری و بازاریابی/توزیع) زیرساخت های بازارمحور هستند که اغلب به منظور تکمیل سایر خدمات و کالاهای عمومی مانند جاده ها و خدمات در حوزه شهری بوده و برای توسعه کشاورزی و رشد اقتصادی و رقابت کلی ضروری هستند. با این حال، فعالیت های مشارکتی بخش خصوصی برای زیرساخت توسعه در بخش کشاورزی از نظر نیازهای سرمایه گذاری (در مقابل زیرساخت های حمل و نقل) کوچکتر است و لزوماً به معنای ساخت سازه های فیزیکی جدید نیست و هدف اصلی آن، تسهیل دسترسی به بازارهاست.

مراکز تجاری بخش خصوصی در خصوص نهاده های دامی به ایجاد صرفه جویی برای توزیع بذر، کود و سایر نهاده های کشاورزی کمک می کنند. در دسترس بودن امکانات پس از برداشت مانند سازه های ذخیره سازی و تجاری از هدر رفتن مواد غذایی جلوگیری می کند و در رسیدگی به نوسانات قیمت ها نقش اساسی دارد.

مشارکت های خصوصی و دولتی در ورود کشاورزان و بازرگانان در مقیاس کوچک به اقتصاد رسمی و رقابت بهتر در زنجیره های ارزش، می تواند کمک کننده باشد و این مهم از طریق: ۱- افزایش ظرفیت جذب بازار، ۲- ایجاد بستری برای اجرای استانداردهای کیفیت و ایمنی مواد غذایی مورد نیاز برای دسترسی به بازارهای تقاضا ۳- تسهیلات در خدمات و توسعه کسب و کار میسر میگردد.

۳-۲- نقش ها و وظایف اصلی

نقش بخش دولتی

نقش بخش دولتی به شرح زیر است :

*شروع مشارکت و تشویق به مشارکت در بخش خصوصی توسط بخش دولتی انجام میشود

*مدیریت انتخاب دست اندرکاران بخش خصوصی .

*انجام تضمین کیفیت و بررسی دقیق

*هماهنگی و رایزنی ها و برگزاری جلسات چندجانبه در مورد چالش های موجود

*افزایش آگاهی و ایجاد ظرفیت در میان کشاورزان و تولیدکنندگان

*تقویت دسترسی به خدمات و منابع اضافی برای بخش خصوصی

۴-مشارکت برای ارائه خدمات جهت توسعه تجارت کشاورزی.

دلیل برای مشارکت در توسعه کسب و کار

اصطلاح خدمات جهت توسعه کسب و کار (BDS) به طور کلی به "نرم افزار" اشاره دارد و جزء خدمات ارائه شده برای تبدیل کشاورزی به یک تجارت، مانند دانش و مهارت، در مقایسه با جزء "سخت افزار" که شامل پول، بذر، کود و سایر موارد ملموس است میشود . بر اساس این تعریف، خدمات جهت کسب و کار شامل طیف وسیعی از فعالیت های نرم افزاری مانند پشتیبانی از توسعه موسسات تجاری جدید، آموزش گروهی، مشاوره فردی، ارائه اطلاعات، شبکه سازی تجاری و حمایت از سیاست هاست .

یک تعریف گسترده تر، که شاید واقعیت توسعه کسب و کار را با دقت بیشتری منعکس کند، شامل بخش سخت افزار نیز می شود.

در کشورهای در حال توسعه، توسعه کسب و کار اغلب شامل تسهیل در جایگزینی کشاورزی سنتی به کشاورزی تجاری و همچنین در تقویت ادغام خرده مالک ها در سیستم های کشاورزی تجاری می باشد. مشارکت در سیستم های غذایی مدرن مستلزم ارتقاء مهارت های تجاری و مدیریتی است که به نوبه خود نیازمند خدمات تجاری موثر، برابر، پایدار و فراگیر است که متناسب با نیازهای تولیدکنندگان باشد.

زمانی که خدمات کسب و کار در حوزه کشاورزی به طور کامل توسط بخش دولتی یا دیگر سازمان های غیر دولتی یارانه گیر انجام بشود احتمال زیاد نتوانند تقاضای مصرف کنندگان را برآورده کنند و به پایداری دست یابند. از سویی دیگر، زمانی که خدمات کسب و کار مطلقا به بازار سپرده شوند، ممکن است فراگیر بودن تضمین نشود. در هر صورت، فقدان ترکیب مناسب دانش و انگیزه ها می تواند منجر به ناکارآمدی شود.

بنابراین، جریان اصلی توسعه کسب و کار مستلزم ترکیب مناسبی از انگیزه های مبتنی بر تقاضا و عرضه است که به اشکال جدیدی از همکاری خصوصی و دولتی نیاز دارد.